

سوره مبارکه انسان

جلسه اول

مقدمه:

کتاب با عظمت قرآن کریم آخرین پیام الهی است و با نزول آن پیام‌رسانی از عالم غیب به پایان رسیده است، در حالی که حیات رو به تکامل انسان، افق‌های والایی را می‌طلبد.

حال چگونه این کتاب توانسته قوانین حاکم بر حیات انسان گذشته و حال و آینده را تأمین نماید؟ در جواب باید گفت: اگر چه مرحله پیام‌رسانی از عالم غیب با نزول قرآن کریم به پایان رسیده است ولی تحقق کامل این پیام راهی طولانی در پیش دارد، چون خداوند همه آنچه را انسان به عنوان خلیفه الهی تا پایان تاریخ انسانیت نیاز دارد، در این کتاب عظیم قرار داده است و به هر نسبت انسان به تعالی و تکامل برسد زمینه برای دریافت این پیام آماده تر می‌شود. روزی که انسان با علم بیگانه بود، معجزه خاتم پیامبران کتاب و کلام بود، تا به جهانیان اعلام کند پیروان این کتاب همیشه سرافراز و رستگارند چون آنچه ماندنی است، کتاب و کلام و اندیشه است.

قرآن کریم، علم و فلسفه و هنر و ادبیات و همه علوم را شامل می‌شود ولی به هیچکدام بسنده نمی‌کند. زیرا علم اگرچه چراغی است که رازهای طبیعت را برای انسان می‌گشاید ولی قدرت اینکه انسان اسیر طبیعت را پرواز دهد، ندارد. بلکه آنچه دریچه‌ها را به روی انسان می‌گشاید و او را به ملکوت عالم پرواز می‌دهد، کلام وحی است.

بنابراین نهایت تعالی و تکامل انسان را باید در حوزه دیانت جستجو کرد. زیرا دین است که سعه وجودی به انسان می‌دهد و افق‌های غیب را به روی او می‌گشاید و انسان ملکی را ملکوتی می‌کند.

نخستین سنگ دانشگاه اسلام
به روزی ای فلک غار حراء بود
در این مکتب نخستین دانش آموز
محمد^(ص) بود و استادش خدا بود

در همین ارتباط مجموعه مورد نظر با شروع از سوره مبارکه انسان تلاشی است برای دسترسی به فهم آسان آیات، که در اختیار نسل جوان قرار میگیرد. به این امید که راهنمای تشنگان راه حقیقت باشد.

پیشگفتار:

این سوره در عین کوتاهی محتوایی عمیق و متنوع و جامع دارد. از آفرینش و هدایت و اراده و اختیار انسان سخن می گوید؛ بحثی در مورد عاقبت نیکوکاران و ستمکاران دارد، و در فراز دیگری از اهمیت قرآن و طریق اجرای احکام و راه پر فراز و نشیب خودسازی گفتگو میکند، و در اواخر سوره نیز از حاکمیت مشیت الهی در عین مختار بودن انسان سخن می گوید.

این سوره نام های متعددی دارد که مشهورترین آنها انسان، دهر و هل آتی است.

در فضیلت این سوره حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

مَنْ قَرَأَ سُورَةَ "هَلْ آتَى" كَانَ جَزَاءُهُ عَلَى اللَّهِ جَنَّةً وَ حَرِيرًا: «کسی که سوره هل آتی را بخواند پاداش او از طرف خداوند بهشت و لباسهای بهشتی است»

و در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده که هر کس سوره هل آتی را در صبح پنجشنبه بخواند در قیامت با پیامبر^(ص) خواهد بود^۱.

^۱ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲ و ۴. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۳۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده مهربان

معنای صریح آیه این است که آغاز می‌کنم یا کمک می‌گیرم از خداوند بخشنده و مهربان. شروع هر سوره از قرآن کریم با "بسم الله الرحمن الرحيم"، نشانگر رحمت خداوند تعالی در آغاز آن سوره است، این رحمت چراغ امید را در دل انسان روشن میکند و انسان را به بسط و شادمانی میکشاند، زیرا خود را با خداوندی روبه رو می‌بیند که بر همگان بخشنده است و نسبت به خوبان رحمتی ویژه دارد.

بسم الله ... یعنی با اسم الله همه چیز آغاز می‌شود؛ الله اسمی است جامع که در برگیرنده همه اسماء جلال و جمال خداوندی مانند «کریم - شدید العقاب» می‌باشد. با ذکر کلمه الله منظور انسان خواندن خداوندی است که واجد همه اسماء کمالیه است.

رحمان و رحیم: دو صفت از اسماء جمال الهی هستند که ریشه‌ای واحد دارند، منتها منظور از رحمان رحمتی است که به واسطه آن خداوند همه چیز را ایجاد کرده و منظور از رحیم رحمتی است که به واسطه آن خداوند همه چیز را به کمال می‌رساند. با رحمانیت خلق می‌کند و با رحیمیت هدایت می‌نماید. پس همه موجودات از ابتدای خلقت تا سرانجام، بهره‌مند از رحمت سرشار الهی هستند. نکته جالب در مورد "بسم الله ..." این است که این آیه شریفه نه تنها در قرآن بلکه به نص صریح خود قرآن کریم در آغاز کتب آسمانی دیگر و در تعالیم سایر انبیاء نیز بوده است.

نوح^(ع) پس از سوار شدن یاران خود گفت: حرکت و توقف این کشتی با نام خداست «بسم الله مجریها و مرسها»^۱.

سلیمان^(ع) نیز زمانی که ملکه سبا را به ایمان به خدا دعوت می کند نامه خود را با «بسم الله الرحمن الرحيم»^۲ شروع می کند.

در اسلام نیز آغاز وحی با "بسم الله الرحمن الرحيم" است و هر سوره "بسم الله الرحمن الرحيم" مخصوص به خود را دارد که کلید گشایش رحمت خاص آن سوره است.

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱)

ترجمه:

آیا روزگاری بر انسان گذشته که او چیزی قابل ذکر نبوده است؟

آیه با علامت سوال شروع می شود و از تلاوت کننده سوال می کند که آیا روزگاری بر انسان

گذشته است که انسان چیزی قابل ذکر نبوده است؟

این نوع سوال در ادبیات عرب استفهام تقریری نامیده می شود، یعنی سوالی که پاسخ آن «آری»

است. یقیناً زمانی در گذشته وجود داشته که هر انسانی چیزی قابل ذکر نبوده است. یعنی هر کدام از

ما ۱۰۰ سال پیش چیز قابل ذکری نبوده ایم، نه اینکه اصلاً نبوده ایم، بلکه به صورت بالقوه در

سلولهای بدن پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها یا به عبارت دیگر در عالم طبیعت در میان خاک ها و در

^۱سوره هود، آیه ۴۱.

^۲سوره نحل، آیه ۳۰.

لابه‌لای قطرات آب دریاها و یا در هوایی که در اطراف زمین وجود دارد به صورت پنهان و بسیار جزئی موجود بوده ایم.

بنابراین با کمی دقت متوجه می‌شویم که انسان هم گذشته ای دارد و هم آینده‌ای که این آیه به گذشته او اشاره می‌کند که چیزی قابل ذکر نبوده «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» و در آیه ۸۷ سوره یاسین به آینده او اشاره می‌کند که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نخواهد بود «عظام رمیم».^۱

توجه و تدبّر به این آیه و آیه سوره یاسین به عظمت خلقت انسان اشاره دارد، یعنی موجودی که بین دو عدم نسبی قرار گرفته غالباً چنان خود را قدرتمند می‌بیند که نه گذشته اش را به یاد می‌آورد و نه آینده اش را و گاهی چنان مغرور می‌شود که خداوند برای اینکه او را از غفلت بیرون آورد و به یاد خالقش بیندازد در گوش او زمزمه می‌کند «ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»، چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور ساخت.^۲

«ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» برای من مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و

فراموش کرد و گفت این استخوان‌های پوسیده را چه کسی زنده می‌کند؟

^۱ «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت این استخوانهای پوسیده را چه کسی زنده میکند.
^۲ سوره انفطار، آیه ۶.